

www.KetabFarsi.com

مجموعه مکاتبات

در این بخش کلیه مکاتباتی که حول مسئله تغییر ایدئولوژی بسیا
مجاهدین رد و بدل شده است (باضافه نامه سوم که توسط آنها چاپ شده
است) درج میشود. ضروری است که نامه ها به تسلسل خوانده شوند تا
علاوه بر محتویات نامه ها ارتباط مطالب و نحوه طرح مسائل و چگونگی برخورد
متقابل ما و مجاهدین به مسائل نیز روشن گردند.



توضیح زیر همراه با چهار نامه رد و بدل شده در نوامبر ۷۶ برای مسئولین سازمانهای
جبهه ملی ایران (بخشهای اروپا و آمریکا) ارسال شد :

به : سازمانهای جبهه ملی ایران خارج از کشور (بخشهای آمریکا و اروپا)

در ماه اوت ۱۹۷۵ رفقای مجاهد مسئله تغییر ایدئولوژی سازمان خود را بما
اطلاع دادند و اظهار کردند که در اثر انتقاد و انتقاد از خودکامه ایدئولوژی نوین (مارکسیسم
لنینیسم) دست یافته‌اند. همچنین اظهار کردند که همه اعضاء سازمان - شاید بجز یکی دو
نفر، و آنها احتمالاً - ایدئولوژی جدید را پذیرفته‌اند. برصنای این اطلاع‌گیری با در نظر گرفتن مشاهدات
خود ما از وضع آنها، ماسفها نظر خود را به آنها گفتیم و در مقابل اصرار آنها خلاصه‌آین نظر اعتراضی
نوشته‌های ارسالید اخل به آنها داریم (نامه شماره ۱) . پس از مدتی بیانییه اعلام مواضع
ایدئولوژیک رفقا منتشر شد که در بسیاری موارد با آنچه رفقا بما گفته بودند تطبیقاتی اصولی
داشت. ما برای اظهار نظر قطعی و موضعگیری، جواب‌سئوالاتی را که در نامه شماره ۱
مطرح کرده بودیم از رفقا مکرراً خواستیم. بالاخره در ۱۴ مه ۷۶ نامه کوتاه دیگری به رفقا
نوشتیم (نامه شماره ۲) . پس از مدتی در اکتبر ۷۶ رفقا نامه‌ای بما نوشتند (نامه شماره
۳) . ما در خاور میانه جوابی باین نامه تهیه کردیم (نامه شماره ۴) که اکنون کلا در
یک مجموعه با اطلاع رفقا میرسد. از آنجا که مطالب این نامهها محرمانه و سری است از برداشتن
رونوشت باید خودداری شود. رفقا میتوانند از رؤوس مطالب آن، با نظر فرد مسئولی که
نامهها را برای قرائت به آنها نشان میدهد، یادداشت بردارند.
اگر رفقا در مورد مطالب نامه‌های فوق ملاحظاتی دارند، کتبا از طریق مسئول مربوطه
ما را مطلع کنند.

بامید پیروزی

سازمانهای جبهه ملی ایران خارج از کشور
(بخش خاور میانه)

★ نامه شماره ۱ ★

خطاب به سازمان مجاهدین

اوت ۱۹۷۵

(قبل از انتشار بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک)

چندی قبل مسئله‌ای بطور احتمالی از طرف رفقا [مجاهد] با ما طرح شد اهمیت مساله چنان بود که بحثی را درون ما بوجود آورد ، که گویانکه بعلمت در دست نداشتن فاکت باندازه کافی ، زیاد نمی‌توانست دقیق باشد ، معینا نکاتی را مطرح کرد که خود را موظف دیدیم ، رفقا را در جریان بگذاریم . رفقا [مجاهد] از ما خواستند که نظرات خود را تا همین اندازه غیر کافی بنویسیم. ما با وجود اینکه مطمئن هستیم نوشته ما بعلمت عدم اطلاع کافی نمی‌تواند دقیق باشد ، معینا بخاطر تعهدی که به جنبش در خود احساس می‌کنیم و نیز سفارش رفقا [مجاهد] ، به طرح چند نکته صادرت می‌کنیم . رفقا مطرح کرده‌اند که بررسی نقائص و اشتباهات افراد و سازمان طی دو سال گذشته و تحلیل ریشه‌های آنها ما را به سرمنشأ آن ، یعنی خطای ایدئولوژیک^{ژیک} کشاند ، و با برخورد بان قادر شدیم که طی یک پروسه طولانی ، التقاطی‌گری ایدئولوژیک را بنفع ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم کنار بگذاریم ، و نیز توضیح داده شد که بدنه سازمان ، رهبری و اعضا در این پروسه درگیر بوده و موفق به پذیرش ایدئولوژی نوین شده‌اند (شاید بجای استثنائاتی نادر) و نیز گفته شد که سازمان در صدد است هنگامی که ضروری می‌داند این مسئله را اعلام نماید .

این مسئله گو که از سابق از نظر تئوریکت^{تئوریکت} بطور عام ، لا اقل در مورد عناصری از مجاهدین خلق برای ما قابل پیش‌بینی بود معینا بصورت خاص و شیوه خاصی که ذکر شد بکلی غیر مترقبه بود که توضیح خواهیم داد .

رتالیسم (ایدئولوژی سابق سازمان) بصورت التقاطی از ماتریالیسم و ایدئالیسم در پروسه مبارزه و در صورت برخورد فعال و آگاهانه ، قطبی میشود و بر حسب شدت و قوت گرایشهای ایدئالیستی یا ماتریالیستی ، بسوی یکی از این دو حرکت می‌کند . در مورد رفقای مجاهد از این نظر که در حرکت عقلی مبارزاتی برداشتهای ماتریالیستی نقش غالب را داشت ، همیشه این امید وجود داشت که این جنبه بالاخره غلبه کند و پوسته ایدئالیستی و محصورکننده گذشته از میان برداشته شود. خوشبختانه برای جنبش ، برای سازمان مجاهدین و برای همه ما این امر انجام شده است منتها ما در شیوه انجام آن و نیز شیوه اعلام آن با رفقا تفاوت نظرهایی داریم . البته ضروری است که تاکید کنیم این تفاوت نظر با چیزی است که رفقای رابط مطرح کرده‌اند ، چون بدیهی است که رفقا بدلائلی که از نظر امنیتی ضروری شعور^{شعور} اند تعام حریمات را با ما مطرح نکرده‌اند . شیوه طی این پروسه^{پروسه} بنظر ما با آنچه رفقا از شیوه انجام پروسه مطرح می‌کنند کافی و قانع‌کننده نیست . تصور اینکه کسی با بررسی اشتباهات عقلی خود و سازمان باین نتیجه برسد که اشکال اساسی کار او و یا سازمان از التقاطی بودن ایدئولوژی سرچشمه می‌گیرد ، قابل پذیرش کامل نیست و فردی که بدینسان با اشتباهات خود می‌پردازد ، بنا به تعریف فردی است التقاطی‌گرا و این فرد هیچگاه نمی‌تواند بجا و راه خود رفته و حنان که صرفا در توان یک فرد ماتریالیست است

باین تشخیص برسد که اشکال اساسی او عدم پذیرش کامل ماتریالیسم دیالکتیک است. این تشخیص را فقط يك ماتریالیست دیالکتیسیست می‌تواند داشته باشد. نمی‌توان تصور اینرا کرد که فرد از زاویه‌ای که منطبق بر بینش او نیست خطای بینش خود را از همان زاویه تشخیص بدهد. فقط پس از ماتریالیست شدن است که میتوانیم اعمال گذشته خود را از آن زاویه بررسی کرده و خطاهای ایدئالیستی آنرا مشخص کنیم. بنا بر این معتقدیم که مسئله‌ای که رفقا بآن اشاره کرده‌اند کل مسئله نیست. یا در حقیقت تحلیل ماتریالیستی کاملی از پروسه‌ای که انجام شده است نیست ما احتمال زیاد می‌دهیم که این رفقای مارکسیست درون سازمان بوده‌اند که توانسته‌اند ریشه اشتباهات ایدئولوژیک افراد و نحوه عملکرد آن در امور عطفی را به افراد نشان دهند، و نه خود افراد با تحلیل و انتقاد از خود. البته وجود چنین افرادی در درون سازمان مجاهدین را همیشه محتمل می‌دانستیم، هم در اثر شلخت وضع موجود نیروهای مبارز جامعه و هم به علت تحلیلی که از رئالیسم داشتیم و هم مسائلی که در گوشه و کنار میدیدیم (از جمله نوشته احتضار امپراطوری دلار، صرفنظر از مواضع غیر قاطع آن در مورد تحلیل جنگ اکبر). مسئله دیگر اینست که برای ما تصور اینکه در این پروسه تمام افراد سازمان (بجز نوادری) شرکت داشته و به يك نتیجه رسیده‌اند مشکل است و حتی فکر می‌کنم اگر رفقا چنین تصویری دارند اشتباه می‌کنند. صرف برخورد صادقانه به خطاها و حتی تعلیم و هدایت عناصر مارکسیست برای اینکه همه را مارکسیست کند، حد اقل در مدت کوتاه دو سال، کافی نیست. بسیاری از افراد چنان ساختار فکری ریشه‌داری دارند که به سهولت که هیچ، حتی بدشواری هم آنها از دست نمیدهند و این نکته در مورد رفقای که ایدئولوژی اسلامی داشته‌اند، حتی قابل تامل‌تر است. اسلام بخاطر جامع‌تر و پیشرفته‌تر و مبارزه‌جویتر بودن از سایر مذاهب، برای همه و بخصوص برای کسانی (مانند رفقای مجاهد) که نسبت بآن آشنایی صیق داشته‌اند، بسیار دیرپاست ما گمان داریم که پاره‌ای از رفقای که تصور مارکسیست شدن در باره آنها می‌رود هنوز تعلق ایدئولوژیک‌بیش از حدی که يك ماتریالیست برای يك ایدئولوژی ایدئالیستی شرقی مبارزه جوی تاریخی قائل است، زیادی به ایدئالیسم اسلام دارند. این مسئله بخصوص از نظر اهمیت عطفی (در شیوه اعلام) آن حائز اهمیت است. بطور خلاصه در این قسمت ما باوجود اختلاف نظر در شیوه انجام این نظر بر آن هستیم که طی این پروسه جهشی بزرگ، ضروری، واقعی و آموزنده است و نتایج درخشانی برای جنبش ما بهار خواهد آورد. ما از صمیم قلب این گذار را تبریک می‌گوئیم، مسئله‌ای که بلافاصله مطرح میشود عکس‌العمل این گذار در جامعه است و این هم از نظر محتوای آن و هم اعلام آن مسائلی را مطرح میکند. ما حدود یکسال پیش سئوالاتی را از نظر ایدئولوژی، استراتژی، تعلق از جنگ مسلحانه و غیره از رفقا کردیم که در همان زمان (به علت پروسه فوق در سازمان) به آنها جواب داده نشد. یکی از سئوالات این بود که در استراتژی شما مسئله حزب کمونیست چه میشود؟ آیا کمونیست‌ها میتوانند عضو سازمان مجاهدین شوند یا نه. اگر

میتوانند، مسئله وحدت ایدئولوژیک چه میشود و اگر نمی‌توانند پس ضرورتاً باید در سازمان مارکسیستی نطفه حزب کمونیست متشکل شوند، یعنی ایدئولوژی مجاهدین خود بخود وجود جداگانه حزب کمونیست را تلویحاً می‌پذیرد. اکنون با در نظر گرفتن مسائل مطروحه همان سئوالات را از جانب دیگر می‌توان مطرح کرد، غیر ماتریالیست‌ها (یا در حقیقت معتقدین به ایدئولوژی‌های گوناگون خرد و بورژوازی و بورژوازی) تکلیفشان چه میشود؟ چه آنها که هنوز در سازمان مجاهدین هستند و چه آنها که همیشه در شرایط اجتماعی ایران وجود خواهند داشت و کمیته بسیار قوی نیز خواهند بود. سازمان مجاهدین مانند هر سازمان انقلابی دیگر، موظف است که نه تنها تحلیل از وضع و سرنوشت (وبالاخره تشکیل احزاب) این اقشار داشته باشد بلکه برای آن برنامه هم داشته باشد، و این حکم بخصوص در رابطه با مجاهدین حدت بیشتری دارد چه غسود سازمانی هستند که پیوندهای گذشته، انجام وظایفی را از جانب آنها ایجاد می‌کند، و اهمیت وظایف تحلیل و برنامه‌ریزی برای آنهاست. البته این مسئله‌ای است که به تنهایی ممکن است حل جزو مسائل آینده تلقی شود ولی ما معتقدیم که برخورد به آن جزو وظایف کنونی مجاهدین خلق است بعدی که تا تکلیف آن بوضوح روشن نشده است، نباید اقدامی کنند که برگشت ناپذیر باشد. مثال مشخص این امر ما را به مسئله دوم یعنی مسئله شیوه اعلام گذار و وصول به مارکسیسم می‌کشاند.

فرض کنیم سازمان مجاهدین مسئله را بصورتی که رفقا برای ما مطرح کرده‌اند اعلام کنند. برخورد مارکسیست‌ها که همیشه شبیه برخوردی خواهد بود که ما داشتیم. یعنی استقبال از مسئله با در نظر داشتن سئوالاتی چند (که مطرح کرده‌ایم). اما برخورد ایدئالیست‌هایی که تا کنون صادقاً و معنماً و ذهناً جانبدار و هوانخواه و متکی به مجاهدین بوده‌اند چه میشود؟ مبارزه جوئترین این افراد سازمانهای جدید خود را پایه‌ریزی خواهند کرد ولی بقیه چه؟ آنها که به آن شدت مبارزه جو نیستند ولی تا اندازه‌ای حاضر به همراهی با جنبش بوده‌اند چکار خواهند کرد؟ ممکن است گفته شود آنها نسبت به سازمان‌های جدید تعلق پیدا خواهند کرد. ولی بنظر ما همه کسیر و شاید اکثریت چنین نخواهند کرد و رویه‌های که حتی ممکن است بسیار متضاد با رویه‌های گذشته‌شان باشد، اتخاذ خواهند کرد. در گذشته سازمان مجاهدین حقوق و وظایفی نسبت به این اقشار داشت. حق مجاهدین این بود که از پشتیبانی آنها بهره‌مند شود، و وظیفه‌اش اینکه حامی ضافع زیربنایی و روئینای آنان باشد. با اعلام تغییر ایدئولوژی مجاهدین بدان وضع، اولین عکس‌العمل اینکار، کوتاهی مجاهدین نسبت به آنها تلقی خواهد شد ولی این احساس کوتاهی را بلاشک رژیم، مرتجعین و روحانیون دست راستی چیزی در حد ناروژدن و خیانت وانمود خواهند کرد. هیچ فردی از این اقشار این توضیح مجاهدین را که ما در پروسه عمل تغییر ایدئولوژی داریم باور نخواهد کرد، زیرا پروسه عمل زندگی روزمره خود او چنین تغییری را برایش ضروری نمی‌کند، اصلاً آنرا نه می‌فهمد و نه باور خواهد کرد. احساسی که رژیم به آن دامن

می‌زند این است که اینها مارکسیست‌هایی بودند که بدروغ خود را صلحان معرفی می‌کردند تا از شما کک بگیرند، تا شما را فریب داده و براهی که خود میخواهند بکشانند. و با فریادها برخواید خاست که بگفتار [رژیم] اینها مارکسیست اسلامی و شتر مرغ هستند. مضمون نطقهای روحانیون دست راستی که تا بحال موضع رهبری جنبش مذهبی در کل را نداشته‌اند بسیار روشن خواهد بود و بعید نیست که این کار منجر به تغییر توازن نیروهای مرفعی و مرتجع در میان مذهبی‌ها و روحانیون بشود. این هم به مارکسیست‌ها ضرر می‌رساند، چون ادعا میشود که ایدئولوژی خود را بدروغ پنهان کرده بودند و هم به صلحانان وابسته به [سازمان مجاهدین] ممکن است گفته شود که ضرورت شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی قشرهایی از خرده بورژوازی و معیشت آنها را وادار میکند که خود قضیه را نوعی برای خویش توجیه کند و مبارزه ادامه دهند. ممکن است گفته شود که مگر این نیست که موضع طبقاتی این قشرها تعیین کننده مبارزه کردن یا نکردن آنهاست؟ پس این دلسردی و سرخوردگی موقتی خواهد بود و بالاخره موضع طبقاتی آنها کار خود را کرده و آنها را بدفاع از سازمانهای جدید التاسیس مذهبی خواهد کشاند. ولی بنظر ما دقیقاً چنین نخواهد بود. بسیاری، شاید بتوان گفت قسمت اعظم خرده بورژوازی، در مرحله کنونی بدلیل روینائی در مبارزه هستند (طبعاً منظور ما خرده بورژوازی فقیر و سنتی روبروشکستگی نیست) دلائل اقتصادی در حال حاضر محرك عمده مبارزه جویی ضد ارتجاعی آنهاست و بهمین علت، یعنی روینائی بودن عامل محرکه آنها است که بسیار آسیب پذیرند و اگر احساس خیانت کند بسرعت تغییر موضع می‌دهند و تحت رهبری روحانیون دست راستی، دانسته یا ندانسته، در می‌آیند. شریعت‌داری‌هایی که اعلامیه عدم سازش تشیع و کمونیسم را میدهند و ساخت روحانیت را از اتهام کمونیستی برآمی‌دانند در مقابل خمینی‌ها و دیگران حربیه بزرگی بدست خواهند آورد، و این از بالا تا پایین نظام روحانیت را فرا خواهد گرفت (حوزه خمینی همه موضع خواهند گرفت). ما در اینجا تکیه بر خرده بورژوازی کرده‌ایم و آنها هم به دو دلیل، اول آنکه در حال حاضر نیروهای مبارزه جو عمدتاً از این قشرند و ثانیاً آنجا که مسائل روینائی در میان می‌آید تفاوتی در روینائی موجود کارگران و دهقانان و خرده بورژوازی در حد تعیین کننده نمی‌بینیم. به کارگر و دهقانی که پای موعظه فلان ملا می‌نشینند همان احساس نارو خوردن ممکن است القاء شود که به خرده بورژوا. در يك كلام رژیم و دست راستی‌ها از این مسئله کمال سوء استفاده را خواهند کرد و این بجای است که ممکن است تعادل گرایش مرفعی و مرتجع و توازن نیروهای این گرایش‌ها را بهم بزنند و البته اگر چنین شود اثرات بسیار بدی برای جنبش خواهد داشت. بنا بر این ما اعلام مستقیم تغییر ایدئولوژی را حامل امکان خطرات زیاد^ی می‌بینیم و تردیدی نداریم که این مسائل مورد توجه رفقا نیز بوده است معیشتاً چون از شیوه حل آنها اطلاعی نداریم مجبور به ابراز نگرانی هستیم. ما نمی‌توانیم در مورد بعضی مسائل که به ذهن ما میرسد حتی آنقدر بها دهیم که آنها را بصورت پیشنهاد در آوریم چون ارائه پیشنهاد

اطلاع بیشتری از آنچه که ما داریم را می‌طلبید . بنا بر این صرفاً به تکرار سئوالاتی که در فوق
گروه‌ایم با اضافه چند سوال زیر قناعت می‌کنیم :

— آیا چه ضروری دارد که سازمان مجاهدین اعلام کند دارای دو هسته مستقل مارکسیستی

و مذهبی است ؟

— آیا در مورد وحدت تام با رفقای فدائی ، قبل از اعلام عطنی تغییر ایدئولوژی کل سازمان، بجز
اشکالات عطنی (تاکتیکی) مسئله‌ای ایدئولوژیک و استراتژیک وجود دارد ؟ و اگر ندارد چرا
بصورت فعال مسئله قبل از هر نوع اعلام مطرح نمی‌شود . بطوریکه دو سازمان توأماً راه حل‌سی
برای مسائل بیابند ؟

— ما مطمئن هستیم که همان برخورد درستی که راهنمای رفقا در طی این طریق دشوار و بسیار
ارزشمند بوده است رفقا را در حل مسائل ناشی از آن در حد جنبش نیز رهنمود خواهد بود .
موفقیت و مبارزه جوشی و کسب دستاوردهای عظیم تری را از جانب شما و سایر زرمندگان خلق
آرزو می‌کنیم .

* این نوشته بصورت دستنویس (خطی) به رفقای مجاهد در اوت ۱۹۷۵ (قبل از انتشار
بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک) داده شد . کلماتی از کپی که نزد ما مانده، در چند جا
ناخواناست که بنا بر سیاق مطلب تصحیح شده است .

★ موخه برنامه اول ★

نامه فوق همانطور که ذکر شد پس از استماع صحبت مسئولین سازمان در اوت ۱۹۷۵، مجاهدین و قبل از انتشار بیانیه تغییر مواضع ایدئولوژیک به مجاهدین داده شد تا بداخل ارسال دارند. همانطور که در نامه گفته شده ما امکان پذیرفتن ایدئولوژی جدید توسط تمام اعضا سازمان را نپذیرفته و به آنان پیشنهاد دادیم که دو هسته مذهبی و مارکسیستی درست کنند (و با مارکسیست‌ها در صورت عدم وجود اختلاف اساسی به سازمان چریکهای فدائی خلق بپیوندند). رفیق رابط سازمان فدائیان، تا عهد شخصی خود را با محتویات این نامه، در حضور ما با اطلاع مجاهدین رساند. چند روز بعد از دادن این نامه جلسات مشترک چند روزه چریکهای فدائی خلق مجاهدین و جبهه تشکیل شد و برنامه وسیعی حول مسائل مختلف طرح ریزی شد. اقدام مجاهدین به شرکت در جلسه و برنامه ریزی طبعاً حمل بر پذیرفتن پیشنهادات ارائه شده در نامه فوق - و بالااقل نداشتن مخالفت جدی - شد.

بهر حال برطبق برنامه مشترک، کمکهای به مجاهدین شد ولی آنها پس از دریافت کمکها برنامه را منتفی تلقی کردند و جوابی هم مستقیماً به نامه فوق ندادند. پس از مدتی در نشریات علنی خود نوشتند "کسانی" به آنها پیشنهاد کرده‌اند که به خلق دروغ بگویند و اظهار دارند که هدای از آنها مذهبی هستند (!) با آنکه مجاهدین در توضیح شفاهی ما گفتند که منظور از "کسانی" که چنین گفته‌اند جبهه نیست، معیناً در نامه سوم همین اتهام را ما میزنند.

بهر حال اکنون که متن نامه اول برای اولین بار منتشر میشود مبارزین نمیتوانند قضاوت کنند که چه کسانی به خلق دروغ گفته‌اند.

اگر چه کتاب حاضر به روابط مجاهدین و فدائیان اختصاص ندارد معیناً از کرایین نکتمرا ضروری میدانیم که چندی پس از نگارش این نامه نوشته‌ای از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق در اختیار ما قرار گرفت که نه تنها نقطه نظرات آن شباهت بسیار با نظرات ارائه شده توسط ما در نامه اول داشت بلکه اطلاعات بسیاری در مورد نحوه واقعی "تفسیر ایدئولوژی" مجاهدین مطرح میکرد و ابعاد جدیدی از قضیه را می‌گشود. در همین مدت "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک" منتشر شد و ما اینبار از زبان خود مجاهدین بصورتی متفاوت از اظهارات شفاهی آنها نحوه "تغیر ایدئولوژی" و تصفیه‌ها و اعدامها را شنیدیم و بلافاصله مخالفت همه جانبه

خود را به آنها اعلام کردیم. پس از ۹ ماه انتظار و علیرغم تذکرات مکرر شفاهی برای دریافت جواب نامه فوق، بالاخره در مه ۱۹۷۶ نامه زیر (نامه دوم) را خطاب به مجاهدین نوشتیم.

پاد آوری - لازم به توضیح است که مجاهدین حتی در نوشته های اخیر خود ("مسائل حاد جنبش ما" و ضمیمه) که جواب مفصل خود به جنبه را چاپ کرده اند این اولین نامه ما که در آن مسئله ایدئولوژی آنها مورد بر خورد قرار گرفته و سئوالاتی در آن مطرح شده است و نامه آخرین ما را از چاپ معاف کرده اند و نوشته اند :

" آنچه در این ضمیمه میخوانید دو نامه است که بین سازمانهای جنبه ملی ایران بخش خاور میانه و سازمان ما ، سازمان مجاهدین خلق ایران (ارگان خارج از کشور) مبادله شده است ."

بعبارت دیگر از چهار نامه رد و بدل شده تنها دو نامه چاپ شده است بدون اینکه بخواننده هشدار داده شود که این نامه ها دستچین شده است . علاوه بر این حتی حداقل صداقت حکم میکند که هنگام انتشار مطلبی ، سؤال و جواب هر دو در دسترس خواننده گذارده شود و نه جواب تنها ! این چنین انتظاری بیهوده است . مجاهدین نشسان داده اند که جقدر از این واقعیت هراس داشته اند که مردم همه واقعیت را بدانند . این بار نیز آنها برای خواننده تصمیم گرفته اند و نیکی از حقیقت را بجای تمام حقیقت ارائه داده اند .

نکته خلاف واقع دیگر اظهار فوق اینست که همانطور که قبلا توضیح داده شده نامه اول بنا بر اصرار نمایندگان مجاهدین برای ارسال بد اخل نگاشته شده بوده است و نه مطابق ادعای فوق برای " ارگان خارج از کشور " مجاهدین . ما نظرات خود را بتفصیل شفافا برای " ارگان خارج از کشور " تشریح کرده بودیم و به " نگارش نامه " نیازی نبود . اصرار نمایندگان مجاهدین بما (و رفیق رابط فدائی) متنی بر این مسئله بود که داخل بسایند پیشنهادات ما را هر چه زودتر (قبل از اعلام مسئله تغییر ایدئولوژی) بدانند . بهر حال ابراز فوق یکی از این دو حال را نشان میدهد . یا اینکه از همان اول مسئله آنها گرفتن نامه ای کتبی از ما بوده است تا "سندی" در دست داشته باشند (و مسئله ارسال بد اخل خلاف واقع بوده) و بعد از اینکه دیده اند از سند مذکور نمیتوانند علیه ما استفاده کنند بلکه مطالب آن ماهیت تغییر ایدئولوژی آنها را نشان میدهد از چاپ آن خود داری کرده اند و یا اینکه در آنزمان نظرشان واقعا ارسال پیشنهاد ما بد اخل بوده ولی اکنون خلاف واقع میگویند و مسئله " ارگان خارج از کشور " را بعیان میکشند .

پس از ۹ ماه انتظار و عدم دریافت جواب و طیرغم یاد آوریهای مکرر شفاهی ، نامه زیر
به سازمان مجاهدین خلق ایران نوشته شد :

★ نامه شماره ۲ ★

۱۴ مه ۱۹۷۶

به سازمان مجاهدین خلق ایران

رفقای گرامی

پروژه اکراتی که اخیراً با نماینده شما در (ت) داشتیم لازم می بینیم که چند نکته را با اطلاع
شما برسانیم . این نکات شفاهی هم توضیح داده شده اند ولی تذکر مجدد آنها ضروری می بینیم .
۱ - ما در نظر گرفتن اینکه ضرورت ابراز نظر مشخص ما بعنوان يك سازمان اپوزیسیون در مقابل رویداد
های اخیر جنبش انقلابی ایران و منجمله تفسیرات و مسائل سازمان مجاهدین خلق در رابطه با جنبش
صلحانه ، هر روز بیشتر میشود ، در تاریخ ۱ و ۲ مه ۱۹۷۶ از نماینده شما تقاضا کردیم که در صورت
امکان ، هر چه سریعتر ، پاسخ به سئوالاتی را که شفاهی و کتبا در اوت ۱۹۷۵ (پس از اطلاع از اعلام
قریب الوقوع تغییر ایدئولوژی سازمان) با شما مطرح کردیم ، به اطلاع ما برسانید . ما معتقدیم که
پاسخ به سئوالات فوق میتواند برای ما و سایر نیروهای مترقی در ابراز نظر و اتخاذ موضع صحیح و
مسئول و صریح موثر باشد . سئوالات ما همانطور که میدانید در انتهای تحلیل کوتاه ما ، که بر مبنای
اطلاعات داده شده (از طریق مسئولین سازمان شما) تنظیم شده بود عبارت بودند از :

آیا چه ضروری دارد که سازمان مجاهدین اعلام کند که دارای دو هسته مستقل مارکسیستی و
" مذهبی " است ؟ آیا در مورد وجود ، نام یا رفقای فدائی قبل از اعلام طنی تغییر ایدئولوژی کل
" سازمان ، به جز اشکالات طنی (تاکتیکی) مسئله ای ایدئولوژیک و استراتژیک وجود دارد ؟ و اگر
ندارد ، چرا بصورت فعال این مسئله قبل از هر نوع اعلام مطرح نمیشود بطوریکه دو سازمان توانا راه
حلی برای مسائل بیابند .

۲ - در تاریخ ۴ مه ۱۹۷۶ در (ت) نماینده سازمان شما از ما خواست که هنگام تجلیل از شهید ای
سازمان مجاهدین خلق در رادیو صیبن پرستان (برنامه یاد شهیدان) از معتقدات مذهبی آنان
ذکری بهمان نیابیم . لازم به توضیح می بینیم که ما این پیشنهاد را غیر اصولی و اساساً نادرست می
دانیم و طبیعتاً از انجام آن معذوریم . ما معتقدیم که توافق یا عدم توافق ما با معتقدات ایدئولوژیک
افراد و سازمانها نباید موجب دگرگون جلوه دادن واقعیات شود . اگر این توضیح مختصر و توضیحات
شفاهی نماینده ما از نظر شما قانع کننده نیست ما حاضریم مفصلاً نظر خود را به سطر در همین و جنبه های
مختلف آنها بشکافیم .

۳ - چون ما يك سازمان درون كشورى نيستيم و اطلاعات ما عمدتاً از طريق سازمانها و گروههاى انقلابى درون كشور تا عين مىشود ، لهذا تغييرات ناگهاني و احيانا نادرست در اين اطلاعات ميتواند در تصوير واقعيت در نظر ما خدشه هاى فراوان بوجود آورد و حال آنكه ما براى اينكه قادر به دفاع صحيح از جنبش صلحانه خلق باشيم بايد تصوير درستي از وقايع در اختيار داشته باشيم . تفاوتهاى كه در ابرازات رفقاى نماينده شما به ما در مورد نحوه تغيير ايدئولوژى با " بيانیه اعلام مواضع ايدئولوژيك " وجود دارد ما را بر آن ميدارد كه از شما رسماً تقاضا كنيم كه ضمناً در صورت تمايل و امكان ، مواضع و نقطه نظر هاى خود را كتباً با اطلاع ما برسانيد و يا در پايان هر ملاقات حضوري با نوبى جمعبندي كنى توافق كنيد تا ما قادر باشيم نظرات شما را به روشنى دريافت كرده و با آگاهي به آنها ، بر اساس معتقدات خود برنامه سازمان خود را در دفاع و حمايت از جنبش مشخص كنيم .

از آنجا كه به علت كثرت مشغله شما و ما ممكن است ملاقات حضوري در اسرع اوقات ميسر نباشد ، يك كپيه از اين نامه را به آدرس پستي شما ارسال ميكنيم و تقاضا داريم شما نيز يك نسخه از جواب خود را به آدرس ما در پهن ارسال نماييد .

بااميد بهروزي خلق هاى ايران

بر شكه بار مبارزات صلحانه سازمانهاى انقلابى

سازمانهاى جبهه ملي ايران خارج از كشور

★ نامه سوم ★

جواب مجاهدین (نامه سوم) یکسال بعد از نگارش نامه اول و ۳ ماه بعد از نامه دوم و تاکیدات شفاهی مکرر ما ، در اوت ۲۶ بعث رسید .
با آنکه این نامه در " ضمیمه مسائل حاد . . ." توسط مجاهدین چاپ شده است ، ما آنها در این مجموعه تجدید چاپ میکنیم تا ارتباط مطالب - که مجاهدین با حذف دو نامه از چهار نامه سعی در استتار آن داشته‌اند - بهتر درك شود .



درود ما را بسپارید !

از آنجا که پاسخ به نامه ۱۴ به شواهم چنین پاسخ به مطالبی که شماها از طریق یکی از ارتقای صادر "۳" ارسال داشته و به برخی از آنها در این نامه هم استناد کرده اید ، منظم یک اشاره کلی به برخی مسائل مربوط به سازمانهای خارج از کشور ، رابطه گروهها و سازمانهای پشت جبهه با سازمانهای انقلابی پیشین و توانی و وابستگی مربوط به این ارتباط بود ، و همینطور این جواب بستگی به برخورد با بعضی ناروینها و تناقضات اساسی موجود در هیت ایدئولوژیک - سیاسی سازمانی شما پیدا می کرد ، این بود که لازم دیدیم ضمن مطرح کردن این مسائل و ابهامات بصورت مشخص ، ابتدا نقطه نظرات و مواضع خودمان را نسبت به این مسائل روشن کرده و بر این اساس پاسخ مسائلی را که مطرح نموده اید ، بدیم .

در مورد سازمانها و گروههای خارج از کشور معتقدیم :

الف - سازمانهایی که برای خود هیت مستقل ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی بعنوان یک سازمان سیاسی - انقلابی قائل هستند ، باید متعلق با کاراگری که بعنوان یک سازمان انقلابی اتخاذ کرده اند بداخل آمده ، نظرات و تئوریهای خود را بپخته آزمایش گزارده و بوخایف اصلی ای که بعهده چنین سازمانهایی هست حل کنند ، در این صورت روشن است که پراتیک چنین جازه ای زمینه برخورد طعی با مسائل اساسی جنبش را برای آنان فراهم نموده و در این شرایط آنها میتوانند بطور همتی با مسائل و قضایای اساسی جنبش برخورد بکنند . در همین صورت یعنی در صورتیکه بخواهند همچنان در خارج از کشور بمانند (۱) . بعقیده ما دیگر هیت مستقل ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی بعنوان یک سازمان انقلابی نمی تواند برای آنها معنی داشته باشد . روشن است که در این صورت آنها قادر نباشند ، باتوجه بدور بودن از محیط عمل و همچنین پراتیک و مبارزه محدود خود (محدود به همان فعالیت های صنفی - سیاسی) ، تئوری انقلابی برای جنبش ارائه داده و بخدمت سیاسی - استراتژیک برای جنبش انقلابی مشخص نمایند و باین طریق مسائل اساسی جنبش انقلابی به بحث و گفتگوی خلی بپردازند . این عسک توانایی نه تنها بدلیل دوری آنها از شرایط حید و نبودن زمینه های مادی درک برای مسائل فوق است ، همچنین بدلیل محدودیت فعالیت های سیاسی و مبارزاتی و نوع پراتیکی است که در ایجاد یگرای سازمانها را بواسطه از سازمانهای انقلابی متمایز می کنند . بنظر ما این سازمانها تنها واحد اکثر (در صورتیکه بخواهند صاد قانسه بوخایف خود حل کنند) می توانند در یک ارتباط مشخص بعنوان پشت جبهه سازمانهای انقلابی موجود در جبهه نبرد قرار گرفته و در این رابطه طبیعی است که دیگری نتوانند هیت مستقلی بمعنای یک سازمان ها گروه انقلابی داشته باشند .

(۱) بنظر ما آن سازمانهایی هم که جهت گیری ۹۹ ساله برای داخل دارند شامل اینها می شوند و در واقع نمی خواهند بداخل بیایند .

ب - سازمانها و اتحادیه های دانشجویی که مضمون فعالیت مبارزاتی شان همان مبارزات صنفی - سیاسی یعنی مبارزاتی که بهر صورت بنوعی در چهارچوب مبارزات صنفی - سیاسی محدود می شود است . رابطه این سازمانها با سازمانهای انقلابی از همان قوانین و ضوابط مربوطه به ارتباط جنبش انقلابی بیشتر با سازمانها و گروههای در بر - گیرنده جنبش های توده ای تبعیت می کنند که وظیفه آنها نیز تبعاً حمایت همه جانبه از مبارزه سیاسی - انقلابی خلق و سازمانهای انقلابی آنست . روشن است که وظایف و فعالیت های این سازمانها و اتحادیه های دانشجویی با وظایف گسترده و يك سازمان انقلابی مارکسیستی - لنینیستی و همچنین مضمون اجتماعی - سیاسی وظایف آنها اساساً و کفوفاً با هم اختلاف دارند و يك مرز بندی دقیق و اصولی بین ماهیت سیاسی و اجتماعی سازمانهای در بر - گیرنده فعالیت های دانشجویی یا ماهیت سیاسی - اجتماعی يك سازمان پیشاهنگ مارکسیستی - لنینیستی وجود دارد . باین ترتیب در بین سازمانها و گروههای واقعاً خارج از کشور - مشفق ثالثی نمی تواند وجود داشته باشد ، یا آنهايکه برای خود هویت مستقل ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی قائل هستند باید بد اخل بیایند و بسوظایف خود عمل کنند و ما فقط در چنین صورتی می توانیم با آنها بعنوان يك سازمان سیاسی مستقل برخورد کنیم ، یا آن سازمانهايکه در رابطه با مضمون مشخص فعالیت و مبارزه اجتماعی شان ، سازمانها و اتحادیه های دانشجویی را تشکیل می دهند ، در این میان آن سازمانهايکه بهر عنوان در خارج از کشور فعالیت و مبارزه می کنند و مبارزه آنها صرفاً در جنبش دانشجویی خلاصه و محدود می شود تنها واحد اکثری می توانند بعنوان سازمانهای (صنفی - سیاسی) دانشجویی بحساب آیند که حمایت بی قید و شرط آنها از مبارزات انقلابی خلق و سازمانهای انقلابی درون کشور ملاک مطلق بودن آنها خواهد بود .

وامداد مناسب سازمانهای دانشجویی اصلی ترین وظیفه يك سازمان صنفی - سیاسی و مطلقاً که همانا حمایت از مبارزه سیاسی و انقلابی خلق است ، قرار می گیرد و آنان وظیفه دارند بدون قید و شرط تمام امکانات و اثراتشان را در خدمت جنبش انقلابی قرار دهند . لهذا تشخیص مفاصل - جنبش و چگونگی برخورد با فعالیت های حمایت گرایان ساز - مانها با خود سازمانهای انقلابی خواهد بود . بنظر ما مریض مطلق بودن این سازمانهای دانشجویی هم در درجه اول مشروط به انجام و اجرای صادقانه جنبش و وظیفه ای می شود و گرنه در مورد آن سازمانهايی که چنین هدفی یعنی هدف حمایت از مبارزه سیاسی و انقلابی خلق را برای خود انتخاب نکرده باشند ، در چنین مواردی سخن نمی تواند باشد ، اصولاً چنین سازمانهايی دیگر نمی توانند نمایند و تمایزات ضد امپریالیستی و احساسات دموکراتیک دانشجویان و روشنفکران آن خارج از کشور باشند . باین ترتیب تمام حرکات تأیید آمیز ، فعالیتهايی تبلیغاتی ، انتشاراتی و تدارکاتی در خارج از کشور و مسرا هم آوردن امکانات مالی - تکنیکی و تبلیغاتی برای جنبش درجه اول مبارزات اصلی ترین وظیفه سازمانهای صنفی - سیاسی و مطلقاً می گنجد و سازمانهای دانشجویی در خارج از کشور مانند هر سازمان صنفی - سیاسی حامی هر جنبش ، سازمان و یا سازمانهای انقلابی و وظیفه دارند تمام کوشش خود را بتوجه به رهنمود های جنبش انقلابی خلق و سازمانهای انقلابی آن از طرف دیگر متمرکز کنند و متقابلاً وظیفه سازمانهای انقلابی است که بتناسب رشد خود و نیرو و توانی که بتوجه با عباد گسترده و وظایف انقلابی شان دارند ، باین جنبش ها و سازمانهای در بر گیرنده آنها تماس

برقرار کرده و مبارزه آنان را در جهت منافع جنبش انقلابی خلق هدایت کنند .

این ها اصولی است که سیاست ما را در برخورد با سازمانها و نهادهای خارج از کشور تعیین می کند . و اما ما وقتی بر اساس چنین نظرات و سیاستی خواستیم بنای همکاری و برخورد با شمارا بریزیم (خصوصاً بعد از تحول ایدئولوژیک سازمان) با ادعاها و تناقضاتی برخورد کردیم که هویت سیاسی - ایدئولوژیک - سازمانی شمارا دچار ابهام و سردرگمی میکرد (۱) که ضرورتاً هرگونه همکاری و برخورد اصولی و جدی را مقدمتاً محول به روشن شدن و برخورد با این تناقضات و ابهامات میکرد .

بر اساس ادعای شما جنبی بر مبنای خود بعنوان یک سازمان سیاسی - انقلابی مجرد از سازمانهای دانشجویی ، برای ما این سؤال مطرح می شود که هدفهای سیاسی و هویت ایدئولوژیک این سازمان چیست؟ و چرا تاکنون همین موضع ایدئولوژیک در "باختر امروز" ارگان رسمی شما و سایر نشریاتی که بدستور رسمی و یا غیررسمی از طرف شما منتشر می شود ، گرفته نشده است؟ (۲) ما می پرسیم آیانداشتن هویت مشخص ایدئولوژیک بدلیل موضع جنبه ای شما و وجود سازمانهای انقلابی با مواضع مختلف ایدئولوژیک - سیاسی در درون آنست؟ و آیا شما این جنبه خود را هم طراز جنبه انقلابی متشکل از سازمانهای انقلابی میدانید؟ در این صورت بلافاصله این سؤال مطرح می شود که این سازمانها کد اند؟ مواضع ایدئولوژیک - سیاسی هرکدام چیست؟ هدفها و خواسته های سیاسی آنان چیست؟ فعالیتهای سیاسی و مبارزاتی آنان چیست و در کجا این فعالیت ها انجام می گیرد؟ ارگان رسمی و نوشته های رسمی آنان در کجا یافت می شود . . . اگر اینطور نیست و سازمانهایی وجود ندارد بنابراین مفهوم این سازمانهای جنبه ملی ایران در خاورمیانه چه معنی می دهد؟ آیا مواضع جنبه ای شما و نگرش موضع مشخص ایدئولوژیک ، بدلیل وجود سازمانهای دانشجویی با گرایشات مختلف ایدئولوژیک سیاسی در درون یک جنبه است؟ در این صورت دیگر مفهوم سازمان سیاسی و انقلابی مجرد از این سازمانهای دانشجویی چه معنی می دهد؟ یا اینکه شما سازمانهای جنبه ملی ایران را صرفاً بعنوان یک نام برای سازمان مور انتخاب کرده اید که فعلاً صرف نظر از بحث بر سر انگیزه استفاده از چنین نامی باز همان سؤال اول مطرح می شود که بنابراین هدفهای سیاسی این سازمان چیست، مواضع ایدئولوژیک سیاسی آن که هست و فعالیت و مبارزه در خور چنین سازمان سیاسی ای در کجا انجام می شود؟

باین ترتیب شما بر اساس مواضع ادعائی خودتان از روشن کردن اصلی ترین مواضعی که مضمون اجتماعی و

(۱) این ابهامات و این تناقضات البته باین معنی نیست که ما نتوانیم هویت سازمان شما را نه تنها بشناسیم ولی بهر حال همکاری و برخورد فعال ما با شما بستگی به روشن کردن این مسائل از طرف شما و برخورد با آنها پیدا می کرد .

(۲) باید بگوئیم این ابهامات و تناقضات در اینجا با توجه به کاراکتری که شما بعنوان یک سازمان مستقل سیاسی بخود می گویند و با مواضع ایدئولوژیک غیر عملی دینری که در برخورد هایتان بنام سازمانهای جنبه ملی ایران و یا گروهی در درون آن (در این مورد فرقی نمی کنند) بخود می گیرید ، بوجود می آید و گرنه نداشتن هویت مشخص ایدئولوژیک برای سازمان شما با توجه به مضمون اجتماعی - سیاسی مبارزه این سازمان برای ما قابل توجه است که البته دیگر این سازمان نمی تواند خود را بعنوان یک سازمان انقلابی مجرد از جریانهای دانشجویی معرفی کند .

سیاسی بارزه این سازمان را از جریانات دیگر بارزاتی متمایز می کنند، طفره رفته آید. ممکن است گفته شود مواضع شما از قبیل خارج از کشور بودن، هدفهای سیاسی و فعالیت های مبارزاتی و حمایت گرانه از جنبش مسلحانه، در ارگان رسمی تان آمده است و مجموعه مواضع شما همانست که در این نشریه اتخاذ گردید. است. می گوئیم بسیار خوب، ما هم طبیعی است در هر صورت، چه ضمن فعالیت های شما داشتن هویت مستقل آید تلوژیک را برای سازمانتان نفی کنند و چه خود شما در همین معرفی خود بجهت عنوان یک سازمان سیاسی مجرد از سازمان های دانشجویی، از گرفتار شدن چنین موضعی طفره بروید، با شما بر اساس همان هدفهای سیاسی و مواضع عقلی ای که در این نشریه انعکاس دارد و همچنین بر اساس ضمن مشخص فعالیت های مبارزاتی شما، برخورد کنیم. ولی در این صورت مواضع ما را که کمیستی - لنینیستی ای که شما در نوشته اوت ۷۵ خود و یاد رکفتگوهای اخیرتان باره بنام سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه و با گروهی مخفی در درون آن) اتخاذ کردید و از ما هم می خواهید شمارا با این مواضع بشناسیم، چه معنی می دهد؟ در همین نامه ۱۴ مه تا که تحت عنوان سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه برای ما ارسال شده حاوی تناقض آشکاری است. از یک طرف ما سازمانهای جبهه ملی ایران را در درجه اول بوسیله ارگان رسمی آن باختر امروزی شناسیم و ضمناً مواضع این نشریه و فعالیت های این سازمان باید در مجموع مواضع سازمانی و محتوای آید تلوژیک بارز این سازمان را نشان دهد. از طرف دیگر در همین نامه با همین عنوان اشاره به گفتگویی می کنند که مسئولین سازمانهای جبهه ملی ایران (بخش خاورمیانه) در آن، موضع آید تلوژیک این سازمان و با گروهی در درون آن (۱) را مارکسیسم - لنینیسم معرفی کرده بودند، و از ما انتظار داشتید شمارا با چنین موضعی بشناسیم. مطالبی هم که در "آ" در مورد مواضع آید تلوژیک سازمان خودتان، گفته آید این تناقض گویی ها را بشکل دیگری تأیید می کنند، شما در جواب این سؤال که موضع آید تلوژیک سازمان شما چیست گفته بودید: "مارکسیسم - لنینیسم موضع ما است. ضد ماژوتیسم موضع ما است." که ما فعلاً به بند اول این عبارت کارداریم - و از طرف دیگر گفته بودید: "جای مارکسیست بودن که هنگام برخورد با خصمی پائوده دانشجویی نیست، هر چیز جایی دارد. وقتی ما با چنین کلماتی فدائی هستیم روشن است که مارکسیستیم." (۲) اینها دیگر حرفهای تازه است در عالم مارکسیسم - لنینیسم که ما می شنویم. بفرمائید ببینیم اگر جای مارکسیست بودن شما در مقابل جنبش دانشجویی کسیه روشن نباشد، در مقابل خصمی و ضد هیبون که روشن نباشد، در سطح جنبش و حتی ارگان رسمیتان "باختر امروز" که روشن نباشد، پس کجا باید روشن باشد؟ آیا مواضع آید تلوژیک شما باید در محافل خصوصی روشن شود و یا با همکاری این یا آن سازمان خود بشود روشن می شود؟ باین ترتیب شما می خواهید بگوئید سازمانهای جبهه ملی ایران در مقابل جنبش دانشجویی یک موضع آید تلوژیک دارد، در مقابل ضد هیبون یک موضع آید تلوژیک، در سطح جنبش یک موضع و در محافل خصوصی و همکاری با گروههای دیگر یک موضع دیگر. اگر برخورد شما با متوله آید تلوژیک و مارکسیسم - لنینیسم این چنین است که ما واقعاً هیچ حرفی (رایز) نداریم تا بتوانیم با شما داشته باشیم. در این برخورد (۱) در اینجا لازم است گفته شود که در صورتیکه عناصر و گروههای فرضی با داشتن هویت مشخص آید تلوژیک هیچگونه مرز بندی آید تلوژیک - سیاسی - سازمانی با گروههای دیگر در این جبهه و یا با کُل جبهه اتخاذ نکردند.

ادامه باورقیها از صفحه ۴

باشند . اولاً این را میشود گفت اتخاذ موضع ایدئولوژیک و معانوه و مهتر موضع ایدئولوژیک اعلام نشد ، این عناصر و گروههای بی نام و نشان هرگز نمی توانند بجای موضع سازمان تلقی شود . مواضع کلی سازمان را همان نشریه وارکان رسمی آن تعیین می کنند و ما هم با شما بعنوان مسئولین سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه تماس می گیریم و نه با عناصر و گروههایی که هیچگونه نام و نشانی از آنها نشتید ، ایم .

(۲) این گفته نمی تواند يك خطای لغوی و پانشریک رفیق باشد چراکه صرف نظر از صریح و روراست تر بودن رفیق گوینده آن ، از آنجا که مواضع و شکل فعالیتهای شما آنرا کاملاً تأیید می کنند می تواند مواضع واقعی شما را اینها بیسبب بگذارد .

...

شما هر معجزه‌ای می‌توان یافت جز، ارک-پسم -- لقبیم . اگر این برخورد شما با مقوله اید تولوزی و مارکسیسم
 آگاهانه باشد یعنی باز چه فرار دادن مردم، جنبش دانشجویی، مذ هیون و سازمانهای انقلابی و همچنین کنترل
 دادن مارکسیسم -- لقبیم تا حد بیست‌ترین و بدترین نوع اید تولوزی تاجر سلکانه و معامله گرانه خرد و بورژوازی
 است و اگر با خونریزی ناآگاهانه فرض کنیم آنها باید با شما برسند انجمن مارکسیسم -- لقبیم ، بر سر ابتدای ترین
 بدیهی ترین ، مسلم ترین رهام ترین اصول مارکسیسم -- لقبیم گفتگو کنیم ، رأیوتت با این چنین برخوردی با
 مقوله اید تولوزی با گفتن اینکه : "چه سرری دارد که سازمان مجاهدین اعلام کنند که دارای درهسته مستعمل
 مارکسیستی و -- هی است." با هم نوسیه می‌کنید که مردم درون بگیریم .

باین ترتیب بنظر ما شما در همین حال که تشکیلات خودتان را بعنوان یک سازمان سیاسی -- انقلابی معرفی
 می‌کنید ، اولاً از انجام اصلی ترین ، مهمترین و بدیهی ترین وظایف یک سازمان انقلابی که همانا مبارزه فعال
 سیاسی در بین خلق باشد نظیر رفته رفته اید و بعلاوه در سطح جنبش و در ارتباط با سازمانهای انقلابی ، در صورت
 هدفهای سیاسی ، مواضع اید تولوزیت -- سیاسی -- سازمانی خودتان به تناقض گویی افتاد ، اید و روشن نگردید که
 بالاخره این تشکیلات سیاسی خط منی سیاسی -- استراتژی یکسویه فعالیتهای تاکسون در این جهت انجام
 داد ، وجه چهارچوبی برای هدفهای سیاسی خودتان انتخاب کرده است ، با این توضیحات برای ما روشن بود که
 حتی کوچکترین برخورد اصولی و جدی ما با شما (و نه برخورد های محظی -- لیبرال منسائه و سازشکارانه ای که در خارج
 از کشور رواج دارد) ، بلافاصله با این تناقضات و ابهاماتی که بر روی اید تولوزیت -- سیاسی -- سازمانی شما سایه
 افکند ، بود برخورد می‌کرد و اجرم روابط سازمانی و برخورد های مانعی توانست بصورت سالم و انقلابی ادامه پیدا کند
 و نتیجتاً بلافاصله بعد از تحول اید تولوزیت سازمان و در همان اواخر (اواخر سال ۵۳) که دامن این تحول بسته
 ارتان خارج از کشور سازمان ، کسید ، شد و به نوسازی و ترمیم این ارگان و حاکمیت معیارهای نوین وطنی ترمیم شد ،
 روابط ما هم با شما دستخورد این تغییرات شد و بصورت تعیین درآمد ، این ابهامات و تناقضات تا حدی بود که حتی
 جواب دادن به نوشته اوت ۲۵ شمارا که درباره تغییر اید تولوزیت سازمان اظهار نظر کرده بود ، علیرغم وظایف
 شروط ما (مشروط به مجموعه و اینها) در جواب دادن بآن و علیرغم ضرورت برخورد با نقطه نظرات غلط و انحرا-
 ای (البته بنظر ما) که در آن نهفته بود ، الزاماً تا زمانی که مواضع اید تولوزیت سازمان شما روشن نمی‌گشت و با این
 ابهامات و تناقضات بطرفی برخورد نمیشد ، بطور مستقیم (۱) ، نامش می‌گردد .

شما بنام سازمانهای چپه ملی ایران در خاورمیانه مطالب و سئوالاتی مطرح کرده بودید که جواب دادن و چگونگی
 جواب دادن به این سئوالات دقیقاً موضوعی است که سازمان شما از چه نوع سازمانی باشد ، خودتان از آن چه
 تلقی داشته باشید ، موضع اید تولوزیت این سازمان و محتوای اید تولوزیت جاززه این سازمان چه باشد ، چه
 استنباطی از یک سازمان انقلابی و وثایف آن داشته باشید ، از یک سازمان صنفی -- سیاسی و وثایف آن چطور ، چه
 تفاوتها و مرز بندیهای بین این دو نوع سازمان قائل باشید ، انعکاس این مرز بندی در برخورد با مسائل جنبش و از

(۱) از این جهت می‌گوئیم بطور مستقیم که ما تغییر و تحول سازمان را بصورت جامع آن در سطح جنبش مطرح کردیم و
 جواب این نوشته شما طبعاً در آن نهفته بود .

جمله در برخورد با سئوالاتی که کرده بودید چگونه باشد، رابطه این سازمانها (سازمان انقلابی و سازمان فلسفی - سیاسی) از چه قوانینی پیروی کنند و... که مسلماً در صورتیکه مواضع شما برابر با هم باشند و یاد رک نادرسستی از این اصول داشته باشید در جواب ما الزاماً آن چیزی که شما خواهاشتر بودید نمی توانست باشد، هم اکنون با توجه به توضیحات بالا به سئوالات اصلی ترین، و مهمترین مطالبی که شما طرح کرده بودید جواب می گوئیم.

۱ - ابتدا می پرسد ازیم به مورد دانشجویی، شما در همان مذاکره شفاهی (۱) سئوالات و مطالب زیر را مطرح کرده بودید که: "نارتان نسبت به کارها و فعالیت های ما چیست؟ چه ایراداتی نسبت به کار ما در خاور میانه و اروپا دارید؟ چرا با ما صحبت نمی کنید تا ببینید نظر ما هم چیست؟ چرا ما نباید بدانیم که سیاست دانشجویی شما چیست تا بر طبق آن عمل کنیم، آیا اگر روزی سیاست دانشجویی ما غلط از آب درآمد این سوال جا ندارد که از شما بشود که چرا با ما صحبت نکردید، آیا علت تماس منقرض شما اختلاف اید پولیژیک با ما و گرایش ما نونستی شما نیست؟ چرا با ما چپ افتاده اید و یا اینکه فکری کنید ما با شما چپ افتاده ایم و بالاخره اینکه چه پیشنهاداتی بطور مشخص نسبت به کار ما دارید، بهترین راه حل از نظر شما چیست، راه حل دوم و حداقل آن کدام است، در اینکه ما باید و وظیفه خود میدانیم که بتدریج با جنبش دانشجویی و با بخش های مختلف مبارزان و از جمله سازمانها که شما احتمالاً نمایندگی آنها را مستقیماً بعهده داشته باشید، هر چه وسیعتر ارتباط سیاسی - تشکیلاتی برقرار کرده و رابطه این جنبش را با جنبش انقلابی و در رأس آن جنبش مسلحانه و برای تثبیت و استحکام بیشتر آن، مستحکم کنیم، اصولاً حرکاتی نمی تواند باشد و تا بحال با توجه به وظایف گسترده ای که بعهده ما بوده است، نسبت به این وظیفه نیز، متناسب نیروی توانی که داریم، اهتمام داشته و داریم و همواره آماده هستیم با اتحادیه های دانشجویی که هدف حمایت از چهارزه سیاسی - انقلابی خلق را برای خود انتخاب کرده اند، برخورد فعال بنمائیم. و اما چرا تا بحال در این مورد با شما تماس نگرفته ایم، علتش چیست؟

ما می پرسیم باید با چه کسانی در باره مورد دانشجویی صحبت کنیم و نظر بد هم؟ با سازمانهای جبهه ملی ایران در خاور میانه که خود را سازمانی سیاسی مجرد از سازمانهای دانشجویی معرفی می کنند و یا مستقیماً با خود سازمانها و اتحادیه های دانشجویی؟ شما مگر برای خودتان یک هویت مستقل سیاسی - اید پولیژیک قائل نیستید، در این صورت دیگر صحبت ما با شما بر سر مورد دانشجویی چه معنی ای می تواند داشته باشد (در اینجا منظور ما آن کلتکو و آن خط مشی واحدی که مثلاً در سازمان انقلابی در باره یک مسئله اجتماعی و مبارزاتی مسائل جنبش های کبود می اتحاد می کنند مسلماً نمی تواند باشد).

و نایبی که ما در مجال جنبش دانشجویی داریم طی القاعده نباید از گاتان پت، سازمان سیاسی دیگر عملی شود، ایس وظیفه ما مستقیماً باید از طریق خود اتحادیه های دانشجویی عملی شود و شما هم با ما در سطح جنبش نه ظاهر با عنوان پت اتحادیه و یا اتحادیه های دانشجویی بلکه بعنوان پت سازمان سیاسی می گوئید و برخورد می کنید.

(۱) البته استنباطات مانه صرفاً بتایر اذیارات شفاهی صادر "۱" می باشد بلکه بر مجموعه مواضع سیاسی - سازمانی - اید پولیژیک و عملی شما مبتنی است.

حال اگر مضمون فعالیت و مبارزه این سازمان سیاسی (یعنی جبهه ملی) دقیقاً همان وظایف و فعالیت‌های صنفی - سیاسی و در اینجا همان وظایف یک سازمان دانشجویی ضد رژیم است، این دیگر بخود شما و بان تناقضی کسه نه بطن سازمان شما وجود دارد بری کرد و همین تناقض اساسی است که رابطه شما را با یک سازمان انقلابی هم خد - شه دار می کند . تصور نشود اگر شما چنین درخواستی نمی کردید و یا مطرح نمی کردید در واقعیت امر کوچکترین تغییری حاصل می شد ، زیرا مسئله بر سر اقرار و یا انکار و تجاوز این مسئله نیست . مسئله بر سر مضمون اجتماعی فعالیت و مبارزه ایست که به سازمان شما نهی می بخشد و شما چه چیز دیگری می خواهید نشان دهید . شما از یک طرفانه مشخصات یک سازمان سیاسی - انقلابی را دارید و در پراتیک مبارزه در بین خلق شرکت دارید که شما را (مطابق بدیهی ترین تعاریف مارکسیستی) یک سازمان سیاسی - انقلابی بدانیم و با شما در چنین کادری در باره جنبش دانشجویی خارج از کشور بگفتگو بنشینیم و مثلاً در این باره سیاست واحدی برسیم و نه خود را اختصاصاً دانشجویی می دانید که این وظیفه را در مقابل ما قرار دهید که با شما در چنین کادری برخورد فعال بنمائیم . حال اگر این مسئله سر دراز داشته باشد و اساساً جنبش دانشجویی مادر خارج از کشور در چنین کلاف سردرگمی در رابطه با سازمانهای سیاسی خارج از کشور گرفتار شده و بتفرقه و تلاش کشیده شده باشد ، این دیگر ساده لوحانه نخواهد بود که مادر باره جزئیات شیوه ها ، تاکتیکها و این بیان اشتباه این بیان گروه اظهار نظر کنیم و نظر بدیم ؟ در این صورت وظیفه ما مسلماً این نخواهد بود که بدون توجه به انحرافات و تناقضات اساسی ، ابراهیم های شما را با آن گروه را بشماریم و این نخواهد بود که در همین بافت موجود و با قبول همان تناقضات و انحرافات اساسی که بعقیده ما ریشه های اصلی نایبها و نهیهای جنبش دانشجویی هستند به صحبت بنشینیم و نظر بدیم ، بلکه در این صورت و بعنوان اولین گام این خواهد بود که ما ماهیت بحرانی که در جنبش دانشجویی خارج از کشور وجود دارد برخورد کرده و ریشه های آنرا که بعقیده ما دقیقاً در بطن تناقضات ، انحرافات و ادعاهای سازمانهای خارج از کشور وجود دارد روشن کنیم ، و همچنین با سازمانهای سیاسی خارج از کشور بعنوان مسئول اصلی سرگردانی ، تفرقه و انحراف جنبش دانشجویی از حرکت اصیل خود نرسوی گروهی گری ، جاه طلبی ، رهبری خلیلی این سازمان سیاسی برخورد بکنیم .

این برای ما روشن بود که برخورد با مورد دانشجویی در خارج از کشور نمی توانست با قبول وضع موجود و صرفاً بسا دادن چند رهنمود رفرمیستی و در رابطه از طریق سازمانهای سیاسی انجام گیرد . ما در ابتدا می بایست مستقیماً با خود جنبش دانشجویی و اعضای اتحادیه های آن هر چند که فعلاً با اشکال مختلف وابسته با این سازمانها باشند ، برخورد بکنیم . با این ترتیب ما بر آن شدیم که موانع و نقضه نثرات خودمان را نسبت به ماهیت این بحران و ریشه های اساسی آن ، ارائه داد و سپس آماده شویم با تمام آن سازمانها و گروههایی (چه سیاسی و چه دانشجویی) که با احساس مسئولیت با آن برخورد فعال کرده و موانعشان را نسبت به آن روشن کنند و پاسخ خواهند داد حول آن بگفتگو بنشینند تماس فعال برقرار بکنیم . ما این نقطه نثرات را بنورگلی در همان پیام که به بخشی از کنگره فرستادیم مطرح کردیم . هم اکنون ما از شما (شما هر چه که خود را می نامید ، مخدور شما می که از ما می پرسیدید که چرا در مورد دانشجویی با شما صحبت نمی کنیم و نظراتمان را نسبت به کارهای شما نمی بینیم) سؤال می کنیم چه نقطه نظرانی در این باره

ارائه دادند؟ چه برخورد فعلی نمودید؟ چه انتقاداتی نسبت به آن داشتید تا با شما بگفتگو بشویم و دو هفته نظر بد هم، شما بجای اینکه مسئولانه با این مسئله برخورد کنید و توجه کنید که با کنگره ای که تشکیل شده چگونه برخورد شده است، چه تحلیلی نسبت به بحران دانشجویی ارائه داده شده است و چرا پیام خطاب به اعضا اتحادیه ها داده شده است، همچنان خود را بکوچه طی چپ زدید که بده، سازمانهای انقلابی داخل از کنگره تشکیل شده حمایت کردند، و بعد هم تازه می پرسید که ایراد های مانسبت بکار شما چیست و چرا تا بحال در امور دانشجویی با شما صحبت نکرده ایم !!!

آری رفاقت مسئله اساسی و هلت اساسی نه بر سر چپ افتادن باشما (تصوری که می خواهد اختلافات اصولی را در پی من شخصی ها و عواهای شخصی، بر سر این با آن مافع ماست مالیزه کند) و نه بر سر اختلاف "ایدئولوژیک" باشما آنطور که شما گمان بردید (تصوریکه مرز بندیها و اختلافات اساسی دو محتوای ایدئولوژیک برای دوطرف جابزه راسی- خواهد در پی اختلافات "ایدئولوژیک" بطور کلی مخفی کنند) و نه بر سر اینکه شما برای ما مال نشدید (تصوریکه ضوابط و قوانین و اصول انقلابی را از درجه تفک معاطه کرانه و تا بر مسلکانه خرد و بورژوازی نگاه می کنند) و نه بدلیل اطلاقیه ای که به اعضای یکی از اتحادیه های دانشجویی وابسته بشما علیه شهدای سازمان ما و طبعاً جنبش داده شده بود، (که خود داستان جداگانه ای دارد که فعلاً جایز اینجانب نیست) چرا که روابط ما با شما و مواضع مانسبت امور دانشجویی قبل از این اطلاقیه اتخاذ گردیده بود، بلکه بر سر مسائل بسیار اساسی تر مرز بود به تفاقیضات اصولی موجود در پایه های ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی شما و علاوه بر آن وحتى در همین حال بر سر همدم برخورد فعال و هدم پاسنگویی شما نسبت به مواضعی بوده است که مانسبت به امور دانشجویی اتخاذ کرده بودیم، این بود آن هلت اساسی که ما نمی توانستیم با شما در باره امور دانشجویی هم تاروشن شدن مواضع سازمانی شما در این باره و یا خواست شما برای روشن کردن این مواضع تماس برقرار کنیم، با توجه به مطالبی که گذشت روشن است که ما همواره آماده هستیم با تمام سازمانهای جابزه دانشجویی خارج از کشور و با شما در صورتی که مستقیماً نمایندگی بعضی از این سازمانها را داشته باشید و آماده باشید مواضع سازمانی خود را در این باره روشن کنید، تماس گرفته و گفتگو کنیم، ما از این امر بدلیل وظایفی که نسبت به این بخش از جنبش در خود احساس می کنیم، استقبال کرده و اهتمام خود را برای ارتباط فعال با تمام سازمانهای دانشجویی جابزه اعظم می دانیم.

۲ - و اما در مورد رادیسو: شما بر لیدی ما گفته بودید که گویا ما در مورد رادیسو موضع سکتانستی داشتیم و شما هر چه التماس کردید بجای نرسید و ما حاضر نشدیم با شما همکاری کنیم و اینکه انتقادی که بعداً ما بخودمان در مورد قبول همکاری با شما در ابتدا کردیم در حقیقت توهین بشما بوده است.

در اینجا جادارد، سؤال شود که چرا ما، صلیرغم اینکه هم اکنون ارتباط سیاسی با توده های زحمت کین اصلی ترسین جهت گیری جنبش مسلحانه پیشتاز را تشکیل می دهد و رادیسو بعنوان یک نیاز مبرم و حیاتی برای جنبش مسلحانه پیشتاز مطرح است و اینکه در شرایط ایران رادیسو می تواند ارتباط بسیار مساعدی را از نظر تامین نیازمند بهای حیاتی

ارتباطی و حل مسائل اثباتی و تاکتیکی بین ارکانها و عناصر مختلف در سازمان تشکیل دهد، با وجود این حاضر نشدیم در چهارچوب مورد نظر شما در امکانی که بهر دلیل فعلاً بدست شما افتاده است (که ظاهراً گویا صرفاً بکوشش شبانه روزی شما فراهم آمده است) با شما همکاری کنیم. دلیلت بسیار روشن بود و همانوقت نیز بشما گفتیم شما درقبال این امکان تونمائی داشتید که از شما نامادرسند و غیره امروزی بود.

مارکس در نامه ای به سران حزب سوسیال دموکرات آلمان نوشت: "اگر متحد شدن را لازم میدانید قرار داد غلطی ببندید ولی پرسه بفرزنی را رها کنید و آری دستها را بشوید".
 آن بودید که بعنوان یک پای مستقل در کمیته برنامه ریزی خط تبلیغاتی را دیون در کنار سازمان ما و سازمان چریکهای فدائی خلق شرکت داشته باشید. بشما این چیزی جز برتسبب فریزی، زیرا گذاردن اصول، ندادن ضایع جنبش و جمعیدن به ضایع چیزی نیستی ترانس باشد. مسئله تبلیغات و خط منی تبلیغاتی جنبش در قیما از نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی ای می تواند مایه بگیرد که این نقطه نظرات در کوران عمل آید پده شده و در میان جایزه تصفیه و ارتقا یافته باشد. مسئله تبلیغات برای جنبش از نظر ما هیچ وجه جدای از مندی استراتژیک جنبش نمی تواند باشد. آن ایدئولوژی و نقطه نظری که بهر دلیل نمی تواند برای جنبشش تئوری پیشرو انقلابی ارائه دهد، نمی تواند خط منی استراتژیک جنبش را بریزد، بهمان دلیل نمی تواند خط تبلیغاتی ای که ناشر برجین تئوری پیشروی باشد، ارائه دهد. (۱) آن سازمانها و عناصری که بهر دلیل (نویسنده و یا مدیتر) نمی توانند در رهبری جنبش قرار بگیرند، بهمان دلیل نمی تواند خط منی تبلیغاتی برای جنبش عرضه کنند. خط منی تبلیغاتی جنبش از همان نقطه نظراتی در دهان سرایینی می تواند مایه بگیرد که خط منی استراتژیک و تئوریهای پیشرو انقلابی جامعه از آن مایه می گیرند. نتیجه زیرا گذاردن جنبش اصولی این خواهد شد که در ها نقطه نظر فلسفی و انحرافی که می تواند بد آموزیهای زیادی در پیمنه جنبش بهر آورد وارد جنبش شود. اگر این درست است که تئوریهای درست و نقطه نظرات درست می تواند تبدیل به نیروی مادی شود و انرژی ها و استعداد های زیادی را از خلق آزاد کند و در جهت ضایع جنبش بکار اندازد، این هم درست خواهد بود که نقطه نظرات فلسفی و انحرافی، در صورتیکه میدان داده شوند، می توانند انحرافات و سردرغی های زیادی در سطح جنبش موجود آورد و نیروهای زیادی را به درزروی و انحراف و وسعت بکشاند. فکر نمیکنیم در این گونه موارد احتیاج به آوردن نمونه باشد، و یا اینکه احیاناً گفته شود تجربه کنیم ببینیم چه می شود و فصل از آن دم از ورود نقطه نظرات فلسفی و انحرافی در جنبش نسزیم. این درست مثل اینستکه ما چیزی را بر پایه های نامناسب و ناسانین بنا کرده باشیم و سپس ببینیم چه نمود هائی بر آن عارض می شود ما در صد دفع آن با نسیم. با این توضیحات و با توجه به مشخصات سازمان شما بهمان می توانستیم شمارا بعنوان یک پای مستقل در کمیته برنامه ریزی خط تبلیغاتی را دیون (بعنوان

(۱) باین ترتیب هرگونه موضع یا عملی که مرز بندیهای مذکور را خدشه دار ساخته و شبیهاتی را در مورد مواضع ایس سازمانها در سازمان جنبش ایجاد کند به منع خلق و مبارزه آن بلکه با سر جنبش انقلابی خواهد بود، و بر این اساس که مانسبت به شرکت خود در انجمنه انجمنه مشترک به ما در ۵ / ۲ / ۲۵ به مناسبت مالتود نیا و وزیروهای ایرانی به همان انتقاد داشته و آنرا عملی در جهت مندوش ساختن این مرزهای دانیم.

يك امکان تبلیغاتی برای جنبش مسلحانه پیشنهاد (قبول کنیم و بدین وسیله هم اصول انقلابی را بر پا گذارده -
 باشیم و با اصول معامله کرده باشیم و هم دقیقاً به همین دلیل مجبور شویم در يك رابطه اساساً نادرست بر سر
 ده ها مورد جزئی و کلی چک و چانه بزنیم ، در حالی که اشکال اساسی بر سر چهارچوب اساساً غیر انقلابی این همکاری
 بوده باشد بنابراین ما با جمع بندی مجدد در مسئله مر بوند به چهارچوب همکاری خودمان باشما ، حرفه اولیه خود
 را پس گرفتیم و بعنوان اولیه خود در قبول همکاری باشما در چهارچوب پیشنهادی شما بخود انتقاد کردیم . این
 انتقاد ما بخودمان در همین حال حاوی انتقاد اساسی تری بر فضای چریکهای فدائی خلق ، در مورد قبول و اصرار بر
 چنین چهارچوبی بود که همان موقع با خودشان مطرح کردیم . بنابراین مسئله در اینجا نیز باز بر سر اصول ، بر سر
 چگونگی همکاری و بر سر چهارچوبی بود که این همکاری را می توانست بر اساس اصول انقلابی قرار دهد و نه نسیس و
 ضرورت همکاری . ما در همان موقع در همین حال مطرح کردیم که شما می توانید و باید بطور فعال در راه پیشرفت داشته
 باشید ولی البته با نظارت و هدایت سازمانهای انقلابی داخل ، ولی شما انتظارات و توقعات نادرستی در مورد راه
 داشتید که عملاً می خواستید با ما بر سر يك امکان جنبش که فعلاً بدست شما افتاده بود معامله کنید ، و این از نظر ما
 بهیچ وجه نمی توانست قابل قبول باشد و لولاینکه با اصرار شما روی شرایطتان و قبول آن از طرف رفقای فدائی
 (تحت هر عنوان) منجر به عدم شرکت ما در راهیو بشود که در عمل هم سرانجام اینطور شد . ما همانطور که قبلاً نیز
 گفته ایم معتقدیم تمام سازمانها و گروههای خارج از کشور و از جمله شما تا زمانی که در خارج از کشور قرار دارید و حمایت
 از مبارزه سیاسی - انقلابی خلق را اساس کار خود قرار داده اید و شیشه دارید تمام امکانات خودی و با امکاناتی که بهر
 حال در رابطه با جنبش انقلابی از منابع مختلف کسب می کنید (فعلاً بگد ریم از اینکه چگونه و با چهارچوب سرمایه ای
 کسب می کنید) و از جمله راهیو ، بدون قید و شرط در اختیار جنبش قرار دهید و خود بعنوان پشت جبهه در ارتباط
 مشخص با سازمان و یا سازمانهای انقلابی قرار گرفته و نیازمندیهای آن را در حد توانتان تأمین کنید . اینکه شما در
 چنین چهارچوبی نابحال و ذلیف خودتان را انجام داده باشید بانه از آنجا که مشخصاً در ارتباط با رفقای فدائی
 بوده اید ، به چهارچوبی بر می گردید که بر روابط شما حاکم بوده است و فعلاً ما بدلیل مختلف لازم نمی بینیم وارد
 جزئیات و چگونگی حمایت شما از جنبش مسلحانه و چهارچوب همکاری شما بشویم .

فعلاً آنچه مر بوند به مسئله راهیو (یعنی آنچه می باشد و ما در جریانش بودیم) می شود اینست که همکاری
 نکردن ما با شما در چهارچوب پیشنهادی و همچنین انتقاد ما بر فضای فدائی ، در قبول چنین شرایطی برای همکاری ،
 مسلماً حاوی انتقاد مشخصاً روشنی بشما در مورد توقعات و انتظاراتی است که در قبالت در اختیار گذاردن امکانات
 جنبش ، مستقیم و غیر مستقیم ، چه رنگ و صریح وجه در روشنی همکاری و فعالیت مشترک تبلیغاتی ، برای جنبش
 مسلحانه پیشنهادی تعیین کردید . ما در اینجا بگولایم نمی بینیم در باره این گفته شما که ما در راهیو موضع سکتاریستی
 داشتیم و یا انتقاد ما بخودمان در واقع نوعی توهین بشما بوده است ، توضیح بیشتری بد هم ، توضیحات بالا می تواند
 نشان دهد که تصور شما مبنی بر برخورد " سکتاریستی " ما در راهیو یا " توهین " شما باز هم ناشی از تلقی و برخورد
 نادرست شما از موضع خودتان در سازمان جنبش و ناشی از درک نادرست شما از سازمان انقلابی ، سازمان پشت
 جبهه و روابط بین این دو و شایف هر کدام می تواند باشد . و گرنه تکیه و یا فشاری روی اصول حتی تا آنجا که بقطع

همکاری هم بکشد هرگز بمعنی برخورد سکتاریستی و یا توهین به دیگران نمی تواند باشد .

و اما درباره مطالبی که در نامه ۱۴ مه شما آمده است :

۳ - در مورد سئوالاتی که از ما برای اتخاذ موضع نسبت به تحولات سازمان مانموده بودید :

اولاً ، مگر شما در "باختر امروز" بتاريخ اسفند ۶۰ مواضع خود را بنوعی نسبت به این مسئله بیان نکردید . این مواضع بنظر ما غیرمطمئن تمام مانورهایش در پشت امور دانشجویی و غیرمطمئنانه زبان کنش دیگری در این میان بهمانه گرفته شده بود . بهر حال می شده مواضع شما را از بلای پوشش ها و لغافه های آن سزاوارتی بیرون کشید . آیا مگر این مواضع شما از نظر خودتان متعهد و مسئولانه نبود ، است که هم اکنون برای اتخاذ مواضع مسئول و متعهد جواب این سئوالات برایتان همچنان مطرح است ؟ اگر اتخاذ موضع مسئول و متعهد از نظر شما ضوط به روشن شدن این سئوالات بود ، بنابراین طرح سئوالاتی از زبان این و آن و همدیگر با آنان و بنوعی نمایندگی از آنان و برای هشدار دادن به تمام نیروهای جنبش (وای بحال ما) ، سئوالاتی که قبل از اینکه سئوال باشد اعتراض و اتخاذ موضع مشخص است - دیگر چه معنی می دهد ؟ اشتباه نکنید ایراد ما به موضع گیری شما نیست . اگر ایرادی در این زمینه باشد نسبت به عدم شجاعت و برخورد غیرصریحی است که در این مانور شما نهفته است . منظور ما در اینجا اشاره بهمان تناقضی بین این موضع گیری بنظر ما مشخص (بهر شکل و بهر حالتی) با تقاضای بعدی شما در جواب به سئوالاتتان برای موضع گیری متعهد و مسئول است .

ثانیاً ، اگر برای شما بعنوان یک نیروی اپوزیسیون (؟) ضرورت برخورد با تحولات سازمان ما مطرح شده است ، با توجه به استقلال ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی ای که برای این نیروی اپوزیسیون قائل هستید ، این نیرو می تواند و قدرت این را داشته باشد که یک جریان سیاسی - اجتماعی و یک سازمان انقلابی را با توجه به تاریخچه اش ، نقطه نظراتش و فعالیتهایش در گذشته و حال تحلیل کرده و حتی آینده آنرا هم بطور کلی پیش بینی کند و نه اینکه شناخت اونا گمانی و بر اساس سئوال و جوابی از آن سازمان و یا حتی صرفاً بر اساس آن گفته هایی باشد که خود آن سازمان در باره خود شنیده گوید . شما اگر در طی چندین سال این سازمان را با ابعاد مختلف فعالیتش ، نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی و هدفهای سیاسی ای که مطرح کرده بود ، شناخته باشید ، چطور می خواهید بایکی دو سئوال ناگهانه تحلیل همه جانبه از تحول این سازمان دست یابید تا فرضاً نسبت به تغییرات آن ، موضع متعهد داشته باشید . صرف نظر از این مآل در حد ضرورتش مسائل مربوط به این تغییر و تحولات را در بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان آوردیم . اینکه این بیانیه تا چه اندازه می تواند این تحول را بنشانان دهد ، شناخت شما از ماهیت این سازمان ، نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی آن در قیل بری - کرد . ما معتقدیم برای تمام گروهها و عناصری که توانسته بودند سازمان ما ، نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی گذشته اش را که در سطح جنبش مطرح شده بود ، درک کرده ، حرکت آنرا تیزتر در خلال فعالیتهای این سازمان ، انتشارات ، تبلیغات ، عملیات نظای و غیره در طول چندین سال - ببینند ، تحول سازمان و اندیشه راهنمای آن نه تنها نمی توانست برای آنان غیر مترقبه باشد بلکه بر راحتی توانست از قبل بصورت کلی پیش بینی هم بشود ، بود این صورت بیانیه اعلام مواضع می توانست سیما ی بسیار مشخصی از چگونگی این تغییر و تحول ، سازمان را بنشانانده دهد . حال اگر باز برای شما روشن نشده باشد ، متأسفانه از ما جز اینست که بآن فقدان شرایط اساسی ای که نه صرفاً به عدم درک این

مسئله بلکه عدم قدرت برخورد با عده مسائل اساسی جنبش انقلابی راباعت می شود ، توجه دهم کاری ساخته نیست . و جواب ما هم به عنوان شما اینی براینکه "آباد مورد وحدت نام بارفتای فدائی . . . بطوریکه دوسازمان تواما" راه حلی برای مسائل بیابند ، " صرفاً اندازاینکه اولاً جواب باین مسائل فعلاً هر بوط شما نمی توانست باشد و ما هم بدلیل همان ابهامات ، تمسیدی نسبت به جواب دادن آن اند و رگه مورد نظر شماست در خود نمی بینیم ، چیزی را هم برای شما نمی تواند حل کند .

ثالثاً ، شما می نویسید : " با در نظر گرفتن اینکه ضرورت ابراز نظر مشخص ما بعنوان یک سازمان اپوزیسیون در مقابل رویدادهای اخیر جنبش انقلابی ایران و منجمله تخیرات و مسائل سازمان مجاهدین . . . هر روز بیشتر می شود ، " ما می پرسیم این سازمان اپوزیسیون که شما نام می برید چه نوع سازمانی است که ضرورت ابراز نظر مشخص در باره . . . برایش مطرح شده است ؟ ما سازمان اپوزیسیون داریم تا سازمان اپوزیسیون - سازمان اپوزیسیون سیف و سببی از انواع سازمانهای حنفی - سیاسی و اتحادیه های ضد رژیم گرفته تا احزاب و سازمانهای رفو هستی و انقلابی با مواضع مختلف آید ، اولویت سیاسی را در بر می گیرد . شما روشن نگردید این سازمان اپوزیسیون ما چیست ، موانع آید اولویت سیاسی آن کس است ، همانطور که گفتیم جواب دادن و چگونه جواب دادن به این سوالات دقیقاً منوط به این می شد که سازمان شما از چه نوع سازمانی باشد ، خودتان از آن چه تعلق داشته باشید اگر سازمان سیاسی - انقلابی است مواضع آید اولویت و مواضع سازمانی چیست ؟ اگر سازمان دانشجویی باشید چه مرز بندی های بین سازمان دانشجویی با سازمان های انقلابی قابل باشد و رابطه این دو نوع سازمان را . . . چگونه بدانید .

برای اینکه یک گوی در راحت ما را باز بپای دل نوری و یا توهین بختر دتان تعلق نکنید ، به سوالاتی که نه نموده آید توجه کنید ، سؤال اول : " چه ضروری دارد که سازمان مجاهدین اعلام کنند که دارای دو دسته مستقل مارکسیستی و نه می است ؟ " تنهایی ضرورتاً وجود دارد و آنها اینست که مردم و جنبش آشکارا دروغ گفته ایم ، ما نمی توانیم یک سازمان بیاید اولویت رابانام دوسازمان یاد آید اولویت معرفی کنیم ، شما با توجه بهی کردید که یک دسته اجتماعی و مبارزاتی را (یعنی دسته سازمانی پیارزه خرد و پیروازی) با وارونه جلوه دادن یک واقعیت اجتماعی و حرکت تکاملی یک بدیده سیاسی - اجتماعی در جامعه ، که متقابلاً با ارائه نتایج و دستاورد های مردم و جنبش می تواند تخیرات نسبتاً بزرگی در جامعه بوجود آورد (چرا که خود انحراف این تخیر در بعضی جامعه بود ما است) حل کنیم ، که این بند ما اساساً نادرست ، شهرت و نتیجتاً کابله ضرر و مخرب برای جنبش بود که توضیح بیشتر آن برای شما ، همینم ضرورتی بدلیلی که گفته شد ، شما می گردید و یاد در سؤال دوم شما می گوئید : " آیا در مورد وحدت نام بارفتای فدائی . . . مسئله ای آید اولویت ، و امتزای زیاد وجود دارد . . .

فرض کنیم مسئله ای آید اولویت - سیاسی وجود داشته باشد ، در صورت وجود داشتن حتماً بدنبال انتشار آید که این مسائل را بر ابراهان بگوئیم (بیون جواب نشد و خالی که منظور نظر شما بر منی آورد) بنابراین جواب این قضیه این می شود که بیاییم تمام مسائل فیمابین دوسازمان ، تاریخچه روابط ، نقاط اشتراک ، نقاط افتراق ، انتقادات متقابل و غیره را (چون در نهایت اختلاف آید اولویت و امتزای زیاد وجود دارد) اینها بدست می آید) برای شما تشریح

کنیم، که شما بعنوان یک سازمان ایونسیون (۱) بتوانید یک موضع مشخص بگهید. حال اگر منابع جنبش اقتصاد فکند، این نقاط نظر مورد اختلاف فعلاً در سطح جنبش مطرح شود، (غیر از آن صورتی که خود سازمانها نقطه نظر ایشان را بصورت مشخص مطرح می کنند و بنظر ما سازمانهای سیاسی - انقلابی و حتی سازمانهای دانشجویی از این طریق باید بتوانند نقاط افتراق و اشتراك دو سازمان را دریابند) و این را همانطوریکه گفتیم شانس توانیست تشخیص دهید، آنها باید بشما بتویم این مسائل نمی تواند فعلاً مربوط به شما باشد و با اگر تویم تعهدی نسبت به جواب دادن آن در خود نمی بینیم، آیا مفهوم توهمین بنما است. بنظر ما هرگز اینطور نیست.

۱ - در مورد بخش مدارك سازمانی و یادنامه شهدای ما از ادیو که مطرح کرده اید، آنچه مورد نظر ما بوده است، هم بخش مداركی از گذشته سازمان است که یا مشخصاً حاوی نقطه نظرات گذشته سازمان بوده و یا بطرفی نقطه نظرات گذشته را برای سازمان تداعی کند. این اساس خواسته ما در مورد بخش نشریات سازمان بود. این خواسته ما البته با استنباطی که در مورد خوانندگی یادنامه شهدا شده است و البته رفیق ما هم با اشتباه در همانجا آنرا تأیید کرده بود، کاملاً مغایرت دارد. آنچه در درجه اول مورد توجه ما بوده عدم استنباط نادرست و مفروضه از ایستادگی سازمان بوسیله خواندن مدارك قبل از تحول است. و اما در مورد یادنامه شهدا سازمان که پرسیده بودید، روشن است از آنجا که این شهدا اعضا سازمان ما بوده اند، یادنامه آنها بعنوان عضو سازمان بجا هدین باید که نقطه نظر ایشان ممکن است این تلقی را در شنوندگی بوجود آورد که هنوز سازمان دارای نقطه نظرات مدعی است. بدیهی است در این صورت در کنار یادنامه و معتقدات این رفقا شهید مستلزم توضیح و تفکر کنیم. در باره تحولات ایستادگی سازمان بجا هدین می باشد، و باین ترتیب نه تنها در گون جلوه دادن واقعیت و ذکر نکردن معتقدات شهدا منجر نیست که برعکس مطرح نکردن تحولات سازمان توأم با یادنامه این رفقا، می تواند واقعیت تحول سازمان را در ذهن شنونده در گون جلوه دهد. بهر حال برای هرگونه رفع ابهامی یکبار دیگر ضوابطی که استفاده از مدارك سازمانی ما در رادیو مجازی شمارد در زیر آوریم:

۱ - هیچ گونه مدارك و یاد نوشته ای از سازمان بدون ذکر ماخذ و منبع آن خوانده نشود.

۲ - مدارك و انتشارات سازمان بصورت تکه و پاره، منتخب و یا حذف فاصتهایی از آن که محتوای آنرا بی نوعی

در گون کند، (آنطوریکه در مورد گزارش نظرات طلاب علوم دینی آمده بود) خوانده نشود.

۳ - مدارك گذشته سازمان (قبل از تحول ایستادگی) چه آنها که مشخصاً حاوی نقطه نظرات مدعی می باشد

وجه نباشد، بدون موافقت قبلی سازمان خوانده نشود. بدیهی است صحت نقطه نظرات افراد و شهدا گذشته

سازمان، از آنجا که باعث استنباط نادرست از ایستادگی سازمان می شود، باید با توضیح کافی در باره تحصیل

سازمان همراه باشد.

۴ - بدیهی است هرگونه استناد به موارد باطل و یا مواردی که ضرورت نقض ضوابط بالا را ایجاب کند باید با موافقت

سازمان باشند .

۵- در مورد تناقض بین اسرار و رفقای مادر باره تغییر اید تولوجی سازمان و بیانیه اعلام مواضع سازمان که اشاره کرده بودید ، بدون اینکه لازم باشد وارد بحث و سقم این تناقض ، فعلاً بشویم ، لازم است بنویسیم نقطه نظرات سازمان و مواضع ادبلی آن ، مواضعی است که در سطح جنبش اتخاذ گردیده است و اگر احیاناً و بنابر فرض استنباط رفیق یار رفقای باسقیله نظر سازمان که در سطح جنبش اتخاذ شده است ، نتواند ، بدیهی است به نقطه نظر سازمان مربوط می شود و نقطه نظر سازمان همانست که در سطح جنبش مطرح شده است . تنها در یک صورت است که می تواند مسئله ای بوجود آید و آن اینکه رابط و یا مسئولین سازمان آن نقطه نظر آن مواضعی که مشخصاً در سطح جنبش مطرح شده است ، بنام سازمان نسبی کنند (و نه اینکه این یا آن استنباط را داشته باشد و یا بر فرض استنباط نادرستی از نقطه نظر سازمان داشته باشند) ، که در این صورت باید روشن شود که آیا نقطه نظر سازمان تغییر کرده است و یا اینکه مسئله دیگری مطرح است که آنها مسئله است قابل حل ، بهر حال چنین مواردی در مورد مواضع مانع مانده است . همانطور که گفتیم نقطه نظرات مواضع ادبلی یک سازمان در محافل خصوصی و در ارتباطات سازمانی تعیین نمی شود ، بلکه در سطح جنبش اتخاذ می گردد و اگر ما هم از شعاع خواهم مواضع خود را در سطح جنبش روشن کنید و اتخاذ مواضع در گفتگوهای خصوصی برخلاف آن چیزی که در سطح جنبش اتخاذ گردیده - نمی تواند ملاک و معتبر باشد در همین رابطه است .

۶- در مورد توافق کتبی بعد از مذاکرات دانه اشاره کرده بودید ، سرزمان که تمام مادیات رابطه سانس و انقلابی بجرمان بهفتند و یا همانطور که تجربه نشان داد ، در همین شکل غیر فعال هم ضرورت برخورد کتبی با مسائل فیما بین وجود دارد ، و ما هم از این امر استقبال می کنیم . در همین رابطه ما انتظار داشتیم شما بجای اینکه بدون خبر قبلی و در وقت ۳ نفره باریدی مانده شویس طرح کرده بود مستون تماس باشمانهست و صرفاً می تواند حامل و رابطه نقطه نظرات باشد ، مد آنکه بکنید ، لازم بود نسخه نظرات ، پیشنهادات و انتقادات خودتان را به صورت مشخص ، و به صورت نوشته رد کنید ، تا ما بتوانیم به صورت مشخص تری بدان برخورد کنیم .

بهمین جهت ابیباراً تمسبی از برخورد ما با مطالب شما از این نوشته شای که رفیق مادری اگر اشکالی شما برداشته بود انجام گرفت . بدیهی است شما می توانید در صورتیکه مطالبی عیناً رد نشده است و یا خدشه ای بشود آن وارد شده است ، توضیحات و نظرات خود را مشخصاً چه در باره این گفته ها و چه در باره تمام مسائل که لازم می بینید ، برای ما بنویسید . ما هم تقابلاً کتباً جواب شما را خواهیم داد .

در اینجا باید بگویم می دانیم ، نه آنچه می تواند مقدمه زمینه ضروری ارتباط فعال و همکاری ما با شما بعنوان سازمانهای جنبه ملی ایران (بخش حاوره جوانه) را فراهم آورد ، همانا در اعلام شرح مواضع اید تولوجی - سیاسی - سازمانی شما و خواست صادقانه نان برای تسبیح و توضیح ابهامات و نواقضاتی که بر سر مردم می باشد ، ضمناً در این راه ما نیز از همکاری و کمک تا آنجا که در توان داریم در بیع نخواهیم کرد . ما همچنین انتظار داریم مطالب این نامه را هم بعنوان یکی از صرفه ها بعنوان پاسخ بوفتایی که در حال شما و سایر نیروهای مبارز و جنبش انقلابی خدو مان

بمقدمه دارم ، ظفری نمایید .

در پایان پیشنهاد می کنیم ، این نامه را کلیه رفاکاران و اعضا* سازمانهای جبهه ملی ایران - البته در صورتیکه
موانع سازمانی خاصی موجود نباشد - بمنظور توضیح و فسیق مواضع کلی ما مطالعه نمایند .

مستحکم باد پیسوند نیروهای مبارز خارج از کشور با جنبش مسلحانه

پیششما از

برقرار باد وحدت اصولی کلیه نیروهای انقلابی

خلق ما

* مسئولین امور خارج از کشور سازمان مجاهدین خلق ایران *

۷۶/۸/۲۰